زنجان

کشف ۳ تن محموله چوب قاچاق

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان از کشف ۳ تن محموله چوب قاچاق در ابتدای سال ۹۷ در زنجان خبر داد. خلیل آقاجانلو از کشف ۳ تن محموله چوب قاچاق در ایام ابتدایی سال ۹۷ خبر داد و گفت: استان زنجان دارای ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار زمین‌های مرتعی، کشاورزی و زراعی است و از این میزان یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار شامل مراتع و جنگل‌ها است و این زمین‌ها شامل ۲۲ درصد مرتع درجه یک، ۳۷ درصد مرتع درجه ۲ و ۴۱ درصد مرتع درجه ۳ است.

آذربایجان‌شرقی

رشد ۲۱ درصدی مسافران نوروزی منطقه آزاد ارس

قائم‌مقام ستاد اجرایی خدمات سفر ارس از رشد ۲۱ درصدی آمار مسافران نوروزی در منطقه آزاد ارس خبر داد. یوسف داداش‌زاده گفت: از ۲۷ اسفند ۹۶ تا ۱۳ فروردین ۹۷ تعداد ۸۷۴ هزار و ۵۰ خودرو به محدوده‌های چهارگانه منطقه آزاد ارس شامل جلفا، نوردوز، خداآفرین و قلی بیگلو وارد شده‌اند که این آمار نسبت به مدت مشابه در سال گذشته رشد ۲۱ درصدی را نشان می‌دهد. وی افزود: آمار تخمینی ورود مسافر و گردشگر به محدوده‌های چهارگانه ارس اعم از ورود جاده‌ای، ریلی و مرزی ۴ میلیون و ۵۲ هزار و ۷۱۸ نفر است.

مازندران

تجمع کارگران مقابل فرمانداری میاندورود

کارگران شرکت کشت و صنعت شمال مقابل فرمانداری میاندورود تجمع کردند. به گزارش فارس، صبح دیروز بیش از ۵۰ نفر از کارگران به‌دلیل اخراج از کار جلوی فرمانداری میاندورود تجمع کردند. این کارگران که بنا به اظهارات خودشان بعضی از آنها تا بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند، بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای اخراج شده‌اند. بنا به گفته یکی از کارگران این شرکت، در گذشته کارگران این شرکت ۸۰۰ نفر بودند که به‌دلیل تعدیل نیرو به ۱۰۰ نفر رسیده‌اند. بنا به گفته کارگران، دلیل تعطیلی شرکت گران شدن دلار عنوان شد و اینکه تولید برای شرکت مقرون به صرفه نیست.

رکود، اتلاف منابع ارزی، بیکاری و ناامیدی تولیدکنندگان، از پیامدهای قاچاق کالاست

قاچاق کالا علیه کالای ایرانی

گروه اقتصادی: قاچاق کالا عنوانی با بار معنایی منفی برای فعالیت‌های متنوعی است که هم‌اکنون به منزله یک واقعیت، اقتصاد و جامعه ایرانی را درگیر کرده است. این پدیده به دلایل مختلف از جمله پایین بودن خطر فعالیت در آن به‌طور گسترده‌ای در اقتصاد ایران رواج پیدا کرده و آثاری ناخوشایند به جا گذاشته است. به گزارش «وطن‌امروز»، مرکز پژوهشی آرا در بخشی از گزارش راهبردی «بررسی وضعیت قاچاق کالا در کشور» آورده است: ابعاد منفی قاچاق کالا را می‌توان از زوایای متفاوتی بررسی کرد؛ قاچاق کالا از بعد سیاسی، یک نقطه منفی در کشورها تلقی می‌شود و از بعد اجتماعی نیز باعث بر هم خوردن تعادل اجتماعی و درآمدی در میان اقشار جامعه می‌شود و به‌وجودآورنده یک طبقه ثروتمند و در عین‌حال منفور در جامعه است. از بعد اقتصادی نیز قاچاق کالا ضربه‌های سنگینی به اقتصاد جامعه وارد می‌کند. قاچاق کالا به‌شکل غیرمستقیم می‌تواند بر سرمایه‌گذاری ملی کشور تأثیر منفی داشته باشد. با ورود کالاهای قاچاق (با قیمت پایین)، تولید ملی ضربه می‌خورد و تقاضا برای محصولات تولید داخل کاهش می‌یابد و به‌دنبال خود، کاهش سودآوری و درنهایت کاهش سرمایه‌گذاری را در بخش تولید داخلی موجب می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری نیز باعث کاهش اشتغال می‌شود و نرخ بیکاری را افزایش خواهد داد. با افزایش بیکاری بر بحران‌های اجتماعی و تبعات ناشی از آن نیز افزوده خواهد شد، در نهایت می‌توان گفت با افزایش قاچاق کالا بحران‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و در نهایت امنیت ملی به خطر می‌افتد. اصولاً هدف و انگیزه اصلی قاچاق، سودآوری است و این هدف همه اصول اخلاقی، ملی و مذهبی را برای افراد قاچاقچی تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

■ **قاچاق و تأثیرات مخرب آن بر دولت**

تحقق نیافتن درآمدهای پیش‌بینی‌شده دولت، اتلاف منابع ارزی، خدشه‌دار شدن توان پیش‌بینی دقیق از شرایط برای عاملان اقتصادی، شفاف نبودن مزیت‌های نسبی در اقتصاد، کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی، مصرف انرژی و افزایش تقاضا برای پول در گردش، همگی از جمله آثار و پیامدهای اقتصادی قاچاق کالاست. قاچاق کالا سیاست‌های اقتصادی دولت را نیز متأثر خواهد کرد؛ همچنین قاچاق کالا با ایجاد رکود در برخی صنایع کشور از درآمدهای مالیاتی دولت خواهد کاست. از طرف دیگر، همه‌ساله بخشی از درآمدهای دولت صرف پرداخت یارانه به صنایع مختلف برای حمایت از صنعت یا مصرف‌کننده می‌شود. قاچاق صادراتی این کالاها موجب می‌شود که بخشی از این یارانه‌ها به خارج از کشور انتقال یابد. بیشترین آمار کالاهای قاچاق صادراتی مربوط به فرآورده‌های نفتی است که این فرآورده‌ها نیز اکثراً مشمول دریافت یارانه از دولت است. از آنجا که فعالیت‌های انجام شده در اقتصاد زیرزمینی عمدتاً پنهانی و غیرقانونی انجام می‌شود، عاملان و فعالان اقتصادی در این بخش ترجیح می‌دهند برای مخفی ماندن از سیستم ثبت اطلاعات و نهادهای قانونی، معاملات خود را با پول نقد انجام دهند؛ از همین رو، انتظار می‌رود با افزایش اقتصاد زیرزمینی، تقاضا برای پول نقد و به‌دنبال آن نسبت پول در گردش افزایش یابد. تقاضا برای کالاهای خارجی در بازار داخلی و برعکس همواره وجود دارد و همین امر موجب می‌شود عرضه این کالاها به هر طریق هرچند غیرقانونی انجام شود. به این ترتیب، فعالیت قاچاق با خروج از چارچوب قانون، ضمن خنثی کردن پیامدهای مثبت تجارت قانونمند، آسیب‌پذیری اقتصاد ملی را افزایش می‌دهد و دولت را نیز در تحقق درآمدهای برنامه‌ریزی‌شده خود ناکام می‌گذارد. در کشور ما برای مقابله با بحران بیکاری و تبدیل آن به یک فرصت اقتصادی باید سالانه یک میلیون فرصت شغلی پایدار ایجاد شود، این در حالی است که در بهترین سال‌ها عملکرد آن به ۵۰۰ هزار فرصت شغلی نیز نرسیده است. بر اساس آمار سازمان بین‌المللی کار، هر یک میلیارد دلار قاچاق کالا، ۱۰۰ هزار فرصت شغلی را در کشور مقصد از بین می‌برد، آن هم درحالی که ایران با بحران بیکاری و افزایش فعالان جویای کار روبه‌رو است. بر این اساس حتی با فرض صحت همان آمار ۱۵ میلیارد دلاری قاچاق در دولت یازدهم، یک میلیون و ۵۰۰ هزار شغل بر اثر قاچاق از بین رفته است! بر مبنای محاسبه‌های انجام‌شده از سوی کارشناسان اقتصادی، قاچاق سالانه حدود ۲ میلیارد دلار کالا منجر به افت تولیدات صنعتی به میزان ۸ درصد می‌شود (پیرایی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ پس تأثیر قاچاق بر تولید ناخالص داخلی کاملاً قابل لمس است. افت تولیدات صنعتی، آثار نامطلوبی بر اشتغال جامعه دارد و به عبارت دیگر، بر مشکل اشتغال دامن می‌زند.

■ **کاهش تولیدات داخلی و عدم توان رقابت با تولیدات خارجی**

رواج قاچاق کالا به‌دلیل سودآوری بسیار زیاد موجب می‌شود که سیاست‌گذاری در امور تولیدی و اشتغالزا کاهش یابد؛ در نتیجه تولیدات ملی و داخلی که توان کافی را برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی ندارند، آسیب می‌بینند و در برخی مواقع نیز به زیان‌دهی، ورشکستگی و درنهایت تعطیلی فعالیت آن واحدهای تولیدی منجر می‌شود. قاچاق کالا در عمل با نپرداختن مالیات (عوارض و...) به دولت، مستقیماً باعث کاهش درآمدهای دولت می‌شود. از طرفی قاچاق به شکل غیرمستقیم نیز با تضعیف بخش‌هایی از اقتصاد کشور موجب کاهش فعالیت‌های آنها و در نتیجه کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود. مالیات بر ارزش‌افزوده، نوعی مالیات بر کالا و خدمات است، اگرچه اجرای مالیات بر ارزش‌افزوده، تأثیرات مثبتی همانند جلوگیری از قاچاق کالا، جلوگیری از فرار مالیاتی و جلوگیری از دریافت مالیات مضاعف و نیز تسریع دریافت مالیات توسط دولت را به همراه دارد اما این موضوع از مواردی است که در سال‌های اخیر غالباً محل مناقشه تولیدکنندگان و دولت بوده است. مقایسه نرخ استاندارد مالیات بر ارزش‌افزوده در کشورهای OECD نشان می‌دهد که تنها کشورهای سوییس، ژاپن و کانادا دارای نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده کمتری نسبت به ایران (۹ درصد) هستند و دامنه نرخ در سایر کشورها از ۱۰ تا ۲۷ درصد متغیر است. کشور شیلی با نرخ مالیات بر ارزش افزوده ۱۹ درصدی، بیست‌وچهارمین کشور در گروه کشورهای عضو OECD از نظر بالابودن نرخ مالیات بر ارزش افزوده است. ترکیه با نرخ مالیات بر ارزش افزوده ۱۸ درصد و مکزیک با نرخ ۱۶ درصد، پایین‌تر از شیلی قرار دارند. نکته دیگر اینکه کالاهای قاچاق کشف شده اغلب جزو کالاهایی هستند که در مبادی قانونی، نرخ‌های مالیاتی زیادتری به نسبت سایر کالاها از آنها می‌گیرند؛ به بیان دیگر، متوسط تعرفه قانونی کالاهای قاچاق از متوسط تعرفه کل کالاهای وارداتی و صادراتی بالاتر است؛ بنابراین قاچاق کالا، درآمدهای (مالیاتی و عوارض بازرگانی) دولت را به میزان زیادی کاهش خواهد داد. یکی دیگر از هدف‌های گرفتن مالیات (غیر از هدف درآمدی)، توزیع عادلانه سود در بین قشرهای مختلف جامعه است؛ در عین‌حال وجود اقتصاد زیرزمینی (از جمله قاچاق کالا) باعث می‌شود که پرداخت مالیات به دولت در این بخش‌ها صورت نگیرد و از این راه ضمن افزایش سود برای قاچاقچیان، درآمدهای دولت نیز کاهش یابد. فعالیت‌های قاچاق کالا یا به‌اصطلاح اقتصاد زیرزمینی بر جریان تولید، اشتغال و نیز بر توزیع عادلانه درآمد و ثروت بین بخش‌های مختلف جامعه مؤثر است.

خراسان‌رضوی

تصرف ارتفاعات مشهد توسط دولتی‌ها

نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی گفت: بدترین تصرفات در ارتفاعات جنوبی مشهد، تصرفاتی است که توسط دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود. نصرالله پژمان‌فر به منع قانونی تصرفات در ارتفاعات جنوبی مشهد اشاره و اظهار کرد: مصوباتی که درباره قانونی بودن تصرفات در این منطقه از مشهد وجود دارد، مستندات کافی ندارد. وی با اشاره به ورود دادستانی مشهد به این موضوع، ادامه داد: جلوگیری از ساخت‌وساز در ارتفاعات جنوبی مشهد نیاز به کمک مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد دارد. نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه ارتفاعات جنوبی مشهد تنفس‌گاه شهر و جزئی از منابع طبیعی محسوب می‌شود، گفت: با وجود اینکه بسیاری از چشمه‌ها و منابع آبی در این منطقه است، تصرفاتی در آن صورت می‌گیرد که بدترین آنها از طرف دستگاه‌های دولتی است. وی ادامه داد: وقتی به اسم استانداری یا ادارات دولتی دیگر و به اسم بخش‌های مختلف برای خودشان حصار می‌کشند و حریم تعیین می‌کنند، طبیعتا آن دستگاه اگر بخواهد برای جلوگیری از این تخلفات اقدام کند، نمی‌تواند اقدام درست و بموقعی داشته باشد. پژمان‌فر با بیان اینکه تذکرات متعددی به استاندار خراسان رضوی داده‌ایم، گفت: از ایشان انتظار داریم نسبت به این موضوع که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز هست، شخصا ورود و به عنوان وظیفه قانونی و شرعی و همچنین تکلیف خود به این موضوع رسیدگی کنند. وی خواستار گزارش صریح استاندار در این‌باره شد و گفت: امروز ساده‌انگاری، لاپوشانی، سکوت و بایکوت کردن فضای پیگیری‌ها موجب شده تا بخش قابل‌توجهی از سرمایه شهر نیست و نابود شود و این روند ادامه دارد. نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی وظایف سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری را در حفظ آثار فرهنگی اطراف حرم مطهر و همچنین حفظ ارتفاعات جنوبی مشهد به عنوان یک منطقه گردشگری و عمومی برشمرد و گفت: این سازمان در جایگاه معاونت رئیس‌جمهور است و به همین دلیل نمایندگان نمی‌توانند به صورت مستقیم برای سوال از این سازمان وارد شوند.

بازی برجامی تروئیکای اروپایی در زمین آمریکا

دیدگاه

ادامه از صفحه اول

۱- اخیرا «جیمز رابینز» و «دالیا داساکای» از تحلیلگران ارشد اندیشکده رند (RAND) در مقاله مشترکی که در خبرگزاری رویترز منتشر کردند، ضمن اشاره به اختلافات به وجود آمده میان واشنگتن و دیگر اعضای ۱+۵ در قبال برجام، عملا پیشنهاد «تغییر برجام از سوی اروپا» را به عنوان راه‌حلی برای «مهار ترامپ» داده و تاکید کردند: «ما (مؤسسه رند) چند اقدام را پیشنهاد داده‌ایم که شامل به کارگیری مکانیسمی درون توافق برای تقویت بازرسی‌های اتمی می‌شود. ما همچنین پیشنهاد پیگیری توافق‌های جانبی را دادیم که به عنوان ضمائم در آینده افزوده شوند، به اضافه انجمن‌های همکاری منطقه‌ای برای بررسی مسائل امنیتی وسیع‌تر خارج از دامنه توافق بویژه توسعه موشکی».

به نظر می‌رسد منابع غربی و فراتر از آن، تروئیکای اروپایی تنها راه «مهار آمریکا» را «تغییر برجام» دانسته و چشمان خود را روی اصلی‌ترین گزینه مهار واشنگتن، یعنی «ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های برجامی ترامپ» بسته‌اند! آگوست ۲۰۱۷ میلادی [مرداد ۹۶] نخستین گام‌های کج و خطرناک «مانوئل مکرون» رئیس‌جمهور ناپخته فرانسه و «بوریس جانسون» وزیر خارجه حیله‌گر انگلیس در تقابل با برجام برداشته شد. در آن زمان، مکرون مستقیما وارد معامله با دولت ترامپ بر سر «تغییر برجام» شد تا بتواند از این طریق اصلی‌ترین خواسته ایالات متحده مبنی بر گره زدن برجام به فعالیت‌های موشکی ایران را تامین کند. کار به جایی رسید که رئیس‌جمهور فرانسه مدعی شد می‌توان بر سر موضوعاتی مانند توان موشکی ایران و محدودیت‌های زمانی مربوط به برنامه هسته‌ای کشورمان با تهران وارد مذاکره شد.

۲- هم اکنون تروئیکای اروپایی راه بازگشتی در مقابل خود نمی‌بیند! مقامات ۳ کشور اروپایی که از همان ابتدا به جای انجام اصلی‌ترین ماموریت برجامی خود (مواجهه با بدعهدی‌های آمریکا)، خود به قطعاتی از پازل بدعهدی واشنگتن علیه ایران تبدیل شدند، در حال حاضر گزاره‌هایی مانند «اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران برای خوشایند ترامپ» یا در نهایت «ادامه برجام بدون آمریکا» را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد نتیجه بازی یک‌ساله برجامی تروئیکای اروپایی در زمین آمریکا چیزی جز شکست و ناکامی برای ۳ کشور آلمان، فرانسه و انگلیس نبوده است. بسیاری از تحلیلگران غربی معتقدند انتصاب «مایک پمپئو» و «جان بولتون» در کاخ سفید، فراتر از آنکه تهدیدی علیه برجام باشد نوعی شوک سیاسی از سوی ایالات متحده آمریکا به تروئیکای اروپایی است. رئیس‌جمهور ایالات متحده با این انتصاب‌ها، نشان داد حتی برای بازی تروئیکای اروپایی در زمین خود نیز کمترین ارزشی قائل نیست! از این رو می‌توان تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپایی را اصلی‌ترین بازنده تحولات برجامی اخیر دانست.

۳- اخیرا روزنامه «گاردین» به نقل از برخی دیپلمات‌های اروپایی نوشت: «اتحادیه اروپایی نسبت به ماندن و بقای دولت ترامپ در توافق هسته‌ای ناامید شده». این روزنامه به نقل از یکی از دیپلمات‌های غربی ـ که خواست نامش فاش نشود ـ افزود: «ما دست از امیدوار بودن کشیده‌ایم. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا می‌خواهد برجام را لغو کند؛ او قول این کار را در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ داده بود».

در چنین شرایطی اصرار تروئیکای اروپایی مبنی بر تحریم موشکی ایران جای بسی تامل دارد. به عبارت بهتر، لندن، پاریس و برلین درصددند بازی سرتاسر خطای خود طی یک‌سال گذشته را با خطایی بزرگ‌تر تکمیل کنند. همین مسأله منجر به بروز منازعه و دیالکتیک برجامی در اروپا شده است. صورت‌بندی این منازعه به هیچ عنوان پیچیده نیست. تروئیکای اروپایی از تحریم ایران به عنوان آخرین تیر در تاریکی برای بقای برجام یاد می‌کند و در مقابل، برخی دیگر از بازیگران اروپایی معتقدند این اقدام، تاثیری در اتخاذ تصمیم نهایی دولت ترامپ در قبال توافق هسته‌ای با ایران نخواهد داشت. ضمن آنکه جان بولتون، مشاور امنیت ملی جدید ایالات متحده آمریکا در یکی از تازه‌ترین مواضع خود در قبال برجام تاکید کرده: «فکر نمی‌کنم امیدی نسبت به اصلاح برجام توسط اروپا وجود داشته باشد». با این حال به نظر می‌رسد تروئیکای اروپایی حداقل هنوز به صورت روانی نمی‌خواهد «خدعه برجامی ترامپ» در قبال خود را پذیرا باشد. از این رو فرانسه، انگلیس و آلمان همچنان مطابق برنامه طرح‌ریزی شده خود از سال گذشته تاکنون پیش می‌روند. این در حالی است که ترامپ مدت‌هاست بازی خود را از ریلی که تروئیکای اروپایی نیز در آن حرکت می‌کرد، خارج کرده! گویا عدم درک واقعیات جاری در نظام بین‌الملل به بیماری مزمنی تبدیل شده است که نسل جدید سیاستمداران اروپایی را گرفتار خود کرده است. آنچه امروز بر سر برجام در میان تروئیکای اروپایی می‌گذرد، نشانه همین موضوع است.

حرکت مردم از فاز واکنشگری به کنشگری

نگاه

ادامه از صفحه اول

... شاهد آن باشیم که دغدغه سبک مصرفی مردم به‌عنوان دغدغه سال در یک دهه پیش معرفی شد اما با برخورد سطحی‌ای که نسبت به آن شد امروز تبدیل به یک بحران عمیق شده است.

۲- تقلیل اهمیت حمایت از کالای ایرانی به‌عنوان سوژه‌ای صرفا حمایتگر از کارفرما و کارگر ایرانی سبب خواهد شد بخش عمده‌ای از اهمیت شعار سال جدید نادیده گرفته شود. حمایت از کالای ایرانی اما روی دیگری دارد و آن مبارزه با واردات بی‌رویه کالاهای انبوهی است که به‌رغم داشتن نمونه داخلی از مرزهای ورودی کشور یا به شکل قانونی یا به شکل قاچاق وارد می‌شود. هرچند این کالاها در جای خود موجب می‌شود بازارهای داخلی کشورمان از تولیدات داخلی تهی شود اما در عین حال ضربه مکمل دیگری به اقتصاد کشورمان می‌زند که خطرش به مراتب بیشتر از آن چیزی است که تا به حال تبیین شده است. شکل‌گیری یک طبقه واردکننده و جمعیت انبوهی از دلالان کالاهای خارجی، اقتصاد کشور را به آن سمت و سو برده که جمعیت غیرمولد بیش از تمام گروه‌های مولد اقتصادی به سودهای هنگفت و سرشار برسد. طبقه‌ای که با کمترین فایده عمومی بیشترین سود را در میان عموم جامعه کسب می‌کند و در بخش قابل توجهی از موارد از رانت‌های اقتصادی پرشماری نیز سود می‌برد. تقلیل مفسدان اقتصادی به کسانی که با زدوبندهای مالی قادر به دریافت رقمی هنگفت شده و پس از مدتی با فرار از پس دادن آن می‌گریزند، مانع از آن شده حساسیت‌ها نسبت به بخش اصلی فساد اقتصادی کشورمان یعنی رانت‌های وارداتی‌ای که کمر صنعت داخلی را شکانده، برانگیخته شود. با این تعاریف می‌توان «حمایت از کالای ایرانی» را پروژه‌ای با ۲ کارویژه اصلی دانست که کارویژه حمایتی آن به سمت تولیدکنندگان و کارویژه سلبی آن به سمت منبع اصلی فسادآفرینی اقتصاد کشور یعنی دلالان مجهز به رانت‌های وارداتی است که قطعا بدون پیگیری وجه سلبی آن نمی‌توان امید چندانی برای به ثمر نشستن بخش ایجابی‌اش داشت.

۳- جهت‌گیری کلی مالی و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی دولت یکی از مهم‌ترین و محسوس‌ترین متغیرهای غیرمستقیم در راستای تحقق حمایت از کالای ایرانی محسوب می‌شود که در همین راستا پایان سال ۹۶ و آغاز سال ۹۷ گواهی از شرایطی مطلوب در این باب نمی‌دهد. قطعا افزایش قیمت ارز و به تبع آن کاهش ارزش پول ملی از سویی هم برای تولیدکننده و مصرف‌کننده کالای ایرانی خطرناک و مشکل‌ساز است. متوسل شدن به این استدلال که افزایش قیمت ارز به نفع تولیدکننده داخلی تمام خواهد شد حرفی نابجا با گزاره‌های به ظاهر صحیح است، چرا که ابتدا باید با نظر داشتن به توان مصرف‌کنندگان و سپس به شرایط تولیدکنندگان دست به چنین قضاوتی زد. کاهش ارزش پولی که در دست مردم جابه‌جا می‌شود تقاضا را به سمت خرید کالا کاهش می‌دهد و طبیعتا آنان را راغب به خرید ارزان‌ترین کالای موجود در بازار خواهد کرد، از سوی دیگر تولیدکنندگانی که برای تولید کالای‌شان محتاج خرید اقلام سرمایه‌ای از خارج از کشور هستند و بازار اصلی‌شان بیش از آنکه در خارج از کشور باشد در داخل آن است نمی‌توانند به حداقل سودآوری در این مسیر نیز برسند. با چنین تفاسیری مقایسه وضعیت اقتصادی موجود و شیب رشد غیرقابل انکار قیمت ارز هشدار بزرگی نسبت به وضعیت پیش روی اقتصاد کشورمان می‌دهد. جبران کسری بودجه با تلاش برای آزادکردن بیش از پیش قیمت دلار تنها بار سنگینی را از شانه دولت برداشته و بر شانه ملت سوار خواهد کرد.

۴- بیمی که بابت عدم تحقق شعار حیاتی امسال می‌رود آن است که همچون غالب سیاست‌گذاری‌های دولتی در کشورمان نسبت به یک امر بلندمدت تدابیری کوتاه‌مدت اندیشه شود. رونق گرفتن صنعت و تولید داخلی امری است که دهه‌ها برای آن شعارها داده شده اما به‌علت در پیش گرفتن سیاست‌های تک‌عاملی و کوتاه‌مدت یا نیمه‌کاره مانده یا همچون بسیاری از صنایع داخلی اثری عکس از خود برجای گذاشته است که اثر آن را در بی‌اعتمادی بخش قابل توجهی از جامعه به تولیدات داخلی شاهد هستیم. باید این حقیقت را بپذیریم که قوت گرفتن تولیدات داخلی یکی از آخرین برگ‌های برنده‌ای است که اقتصاد کشورمان توانایی رو کردن آن را دارد. تقلیل سیاست‌ها به امور تبلیغاتی و در پیش گرفتن راه‌های طی‌شده سابق قطعا می‌تواند فرصت پیش رو را نیز تبدیل به یک تهدید اقتصادی کند. حمایت بدون شفافیت، سنگ‌اندازی در برابر تولیدکنندگان خرد، وضع قوانین مالیاتی سنگین برای تولیدکننده داخلی و لغو تعرفه وارداتی بر کالای خارجی، گره زدن شکوفایی اقتصادی تولیدکنندگان داخلی به سرمایه‌گذاری‌های انجام نشده خارجی و... می‌تواند عواملی باشد که شعار سال را با نتیجه‌ای عکس به اجرا بکشاند. دولت و ملت باید با تعریفی روشن به سمت هدفی واحد حرکت کنند. مردم در برابر حمایت از کالای ایرانی مطالبه پاسخگویی نسبت به کیفیت آن را دارند و دولت نیز در برابر تقویت تولیدکننده داخلی نیازمند اعتماد عمومی است و این دوگانه بدون در پیش گرفتن مسیری روشن، ممکن نیست. دولت باید از توهم سرمایه‌گذارهای خارجی‌ای که فکر می‌کرد از روز پس از توافق گروه گروه راهی داخل می‌شوند خارج شود و این حقیقت را بپذیرد که دستیابی به یک اقتصاد ملی با حداکثر میزان خودکفایی می‌تواند او را به سیاست‌های تعریف شده در اقتصاد مقاومتی نزدیک کند. گروه‌های مرجع و تاثیرگذار اجتماعی به‌عنوان واسطه‌ای میان دولت و ملت باید تمام تلاش خود را برای اصلاح الگوی مصرف به نفع خرید کالاهای داخلی مصروف کنند که اگر چنین باشد این ائتلاف می‌تواند نتایجی روشن و خوش‌یمن برای آینده دولت و ملت داشته باشد.

حمایت از کالای ایرانی، از «خریدار» تا «مطالبه‌گر»

روزنه

ادامه از صفحه اول

بی‌تردید کارگر حقوق نگرفته‌ای که هر روز خطر تعدیل و اخراج را از نزدیک حس می‌کند و سایه حمایت اتحادیه‌ای را نیز روی سر خود نمی‌بیند، ناتوان از تولید کالایی است که بتواند جایگزین کالای مشابه خارجی شود. تولیدکننده‌ای که ادامه حیات اقتصادی‌اش بستگی دارد به تصمیم‌های خلق‌الساعه و گاه در خدمت رانت در بالا و پایین شدن تعرفه‌ها، چطور می‌تواند دلگرم به چنین کاری بماند و- مانند بسیاری- به این تصمیم نرسد که سرمایه‌اش را از تولید خارج کرده و در واردات کالا به کار گیرد؟

از سوی دیگر، بسیاری از زیرساخت‌ها از جمله قوانین کار، نظام مبارزه با انحصار و ایجاد امکان رقابت و سازوکارهای تامین اجتماعی باید بهبود یابد تا تولید قابل قبول و در حد رقابت ایرانی ممکن شود.

۵- این عرصه‌ای است که جامعه مدنی ایرانی می‌تواند و باید در آن کنشگری کند تا حمایت از کالای ایرانی و چرخیدن چرخ اقتصاد کشور ممکن شود. پرداختن به حلقه آخر این زنجیره به فراهم کردن مسکنی برای وجدان‌های ناراحت و ایجاد این توهم که به وظیفه وطن‌پرستانه خود در حمایت از کالای وطنی عمل کرده‌ایم، می‌انجامد. از سوی دیگر، پرداختن به دیگر حلقه‌ها، مطالبه‌گری فعال و حمایت از کار و کارگر ایرانی و تاثیرگذاری در سیاست‌ها و ساختارها، از عهده یک شهروند خارج است. در اینجا سمن‌ها، اتحادیه‌ها و تشکل‌های دانشجویی، رسانه‌های مستقل و صاحبان تریبون باید به عنوان بخش متشکل‌تر جامعه مدنی وارد عرصه شوند. اینجاست که جای خالی سمن‌ها و تشکل‌های کارگری، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند رخ بنماید و ما را از رسیدن به سر منزل مقصود باز دارد. بی‌تردید گره معضل اقتصاد بویژه حمایت از کالای ایرانی بدون ورود مردم باز نخواهد شد و در صورتی که حضور مردم در این عرصه نیز به بخش کوچک و نهایی خرید کالا منحصر شود، موجب کم‌تاثیری این حضور و دلسردی کنشگران شده و شعار امسال را نیز به سرنوشت شعارهای سالیان قبل دچار می‌کند.

۶- تحقق شعار سال نیازمند حضور مردم و جامعه مدنی در عرصه حمایت از کالا به عنوان یک مشتری ذی‌نفع در کم و کیف تولید داخلی است و این حضور باید تا سر حد امکان، متشکل و سازمان یافته باشد تا هم از پس ارزیابی اوضاع برآید و هم صدای کافی را برای رساندن حرف خود به گوش دیگر بخش‌های جامعه و دولت داشته باشد.

حمایت از تولید ایرانی از سوی جامعه مدنی در این صورت ممکن می‌شود و الا در بهترین حالت، ما بازاریابان و مبلغان بی‌مزد و مواجب کالاهای داخلی خواهیم بود.